

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمنگر مهربان

اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ ﴿١﴾

فولادوند: برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی‌خبری رویگردانند

مکارم: حساب مردم به آنها نزدیک شده اما آنها در غفلتند و رویگردانند!

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾

فولادوند: هیچ پند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد مگر اینکه بازی‌کنان آن را شنیدند

مکارم: هر یادآوری تازه‌ای از طرف پروردگارشان برای آنها بیاید با لعب و شوخی به آن گوش فرا میدهند.

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ بُصُورُونَ ﴿٣﴾

فولادوند: در حالی که دل‌هایشان مشغول است و آنانکه ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که آیا این [مرد] جز

بشری مانند شماست آیا دیده و دانسته به سوی سحر می‌روید

مکارم: در حالی که فلوشان در لهو و بیخبری فرو رفته است، و این ستمگران پنهانی نجوی میکنند (و می‌گویند) آیا

جز اینست که این يك بشری همچون شماست؟ آیا شما به سراغ سحر می‌روید با اینکه می‌بینید؟!

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾

فولادوند: [پیامبر] گفت پروردگارم [هر] گفتار[ی] را در آسمان و زمین می‌داند و اوست‌شنوای دانا

مکارم: (اما پیامبر) گفت پروردگار من همه سخنان را چه در آسمان باشد و چه در زمین میداند و او شنوا و داناست.

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ ﴿٥﴾

فولادوند: بلکه گفتند خوابهای شوریده است [نه] بلکه آن را برافته بلکه او شاعری است پس همان گونه که برای

پیشینیان هم عرضه شد باید برای ما نشانه‌ای بیاورد

مکارم: آنها گفتند (آنچه را محمد آورده وحی نیست) بلکه خوابهای آشفته است، اصلا او به دروغ آنرا به خدا بسته،

نه او يك شاعر است! (اگر راست می‌گوید) باید معجزه‌های برای ما بیاورد، همانگونه که پیامبران پیشین با معجزات

فرستاده شدند.

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

فولادوند: قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری که آن را نابود کردیم [به آیات ما] ایمان نیاوردند پس آیا اینان [به معجزه]

ایمان می آورند

مکارم: تمام آبادیهائی را که پیش از اینها هلاک کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردند و پیشنهادشان عملی شد، ولی) هرگز ایمان نیاوردند، آیا اینها ایمان می آورند؟!

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾

فولادوند: و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می کردیم گسیل نداشتیم اگر نمی دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی بپرسید

مکارم: ما پیش از تو جز مردانی که به آنها وحی میکردیم نفرستادیم (همه انسان بودند و از جنس بشر) اگر نمی دانید از اهل اطلاع بپرسید.

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾

فولادوند: و ایشان را جسدی که غذا نخوردند قرار ندادیم و جاویدان [هم] نبودند
مکارم: ما آنها را پیکرهائی که غذا نخوردند قرار نداریم، آنها عمر جاویدان هم نداشتند.

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾

فولادوند: سپس وعده [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراطکاران را به هلاکت رسانیدیم

مکارم: سپس وعدهای را که به آنها داده بودیم وفا کردیم، آنها و هر کس را میخواستیم (از چنگال دشمنانشان) نجات دادیم، و مسرفان را هلاک نمودیم.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

فولادوند: در حقیقت ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است آیا نمی اندیشید
مکارم: ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکر (و بیداری) شما در آنست، آیا اندیشه نمی کنید؟

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿١١﴾

فولادوند: و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند در هم شکستیم و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم
مکارم: چه بسیار مناطق آباد ستمگری را که ما درهم شکستیم و بعد از آنها قوم دیگری روی کار آوردیم.

فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾

فولادوند: پس چون عذاب ما را احساس کردند بناگاه از آن می گریختند

مکارم: آنها هنگامی که احساس عذاب ما را کردند ناگهان پا به فرار گذاشتند!

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ ﴿١٣﴾

فولادوند: [هان] مگریزد و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] سراهایتان بازگردید باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید

مکارم: فرار نکنید و بازگردید به زندگی پرناز و نعمتتان، و به مسکنهای پر زرق و برقتان! تا سائلان بیابند و از شما تقاضا کنند (شما هم آنها را محروم بازگردانید)!

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾

فولادوند: گفتند ای وای بر ما که ما واقعا ستمگر بودیم

مکارم: گفتند: ای وای بر ما که ظالم و ستمگر بودیم.

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ﴿١٥﴾

فولادوند: سخنشان پیوسته همین بود تا آنان را دروشده بی‌جان گردانیدیم

مکارم: و همچنان این سخن را تکرار می‌کردند تا ریشه آنها را قطع کردیم و آنها را خاموش ساختیم!

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿١٦﴾

فولادوند: و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم

مکارم: ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آنهاست برای بازی نیافریدیم.

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧﴾

فولادوند: اگر می‌خواستیم بازیچه‌ای بگیریم قطعا آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم

مکارم: به فرض محال اگر می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم چیزی متناسب خود انتخاب می‌کردیم.

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

فولادوند: بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم پس آن را در هم می‌شکنند و بناگاه آن نابود می‌گردد وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید

مکارم: بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آنرا هلاک سازد، و به این ترتیب باطل محو و نابود می‌شود، اما وای بر شما از توصیفی که می‌کنید.

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾

فولادوند: و هر که در آسمانها و زمین است برای اوست و کسانی که نزد اویند از پرستش وی تکبر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند

مکارم: برای اوست آنچه در آسمانها و زمین است، و آنها که نزد او هستند هیچگاه از عبادتش استکبار نمی‌کنند و هرگز خسته نمی‌شوند.

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: شبانه روز بی‌آنکه سستی ورزند نیایش می‌کنند

مکارم: شب و روز تسبیح می‌گویند و ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند.

أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾

فولادوند: آیا برای خود خدایانی از زمین اختیار کرده‌اند که آنها [مردگان را] زنده می‌کنند

مکارم: آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که خلق می‌کنند و منتشر می‌سازند؟

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: اگر در آنها [=زمین و آسمان] جز خدا خدایانی [دیگر] وجود داشت قطعا [زمین و آسمان] تباہ می‌شد پس منزہ است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می‌کنند

مکارم: اگر در آسمان و زمین خدایانی جز الله بود فاسد می‌شدند (و نظام جهان برهم می‌خورد) منزہ است خداوند پروردگار عرش از توصیفی که آنها می‌کنند.

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: در آنچه [خدا] انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد و [لی] آنان [=انسانها] سؤال خواهند شد

مکارم: هیچکس بر کار او نمی‌تواند خرده بگیرد، ولی در کارهای آنها جای سؤال و ایراد است.

أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعِيَ وَذِكْرٌ مِّن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

فولادوند: آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند بگو برهانتان را بیاورید این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده [نه] بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند

مکارم: آیا آنها جز خدا معبودانی برگزیدند؟ بگو دلالتانرا بیاورید این سخن من و سخن (پیامبرانی است) که پیش از من بودند، اما اکثر آنها حق را نمی‌دانند و به این دلیل از آن رویگردانند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾

فولادوند: و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که خدایی جز من نیست پس مرا

پرستید

مکارم: ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست بنابراین تنها مرا پرستش کنید.

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: و گفتند [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده منزه است او بلکه [فرشتگان] بندگانی ارحم‌دند

مکارم: آنها گفتند خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده! منزه است (از این عیب و نقص) اینها (فرشتگان) بندگان شایسته او هستند.

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

فولادوند: که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و خود به دستور او کار می‌کنند

مکارم: که هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و به فرمان او عمل می‌کنند.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ

﴿٢٨﴾

فولادوند: آنچه فراروی آنان و آنچه پشت‌سرشان است می‌داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند

مکارم: او همه اعمال امروز و آینده آنها را می‌داند، و هم گذشته آنها را، و آنها جز برای کسی که خدا از او خشنود است (و اجازه شفاعتش را داده) شفاعت نمی‌کنند و از ترس او بیمناکند.

وَمَنْ يُقْلُ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهُ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: و هر کس از آنان بگوید من [نیز] جز او خدایی هستم او را به دوزخ کیفر می‌دهیم [آری] سزای ستمکاران را این گونه می‌دهیم

مکارم: و هر کس از آنها بگوید من معبود دیگری جز خدا هستم کیفر او را جهنم می‌دهیم، و اینگونه ستمگران را کیفر خواهیم داد.

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ

حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم

جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند

مکارم: آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؟، و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند!

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾

فولادوند: و در زمین کوههایی استوار نهادیم تا مبادا [زمین] آنان [=مردم] را بجنباند و در آن راههایی فراخ پدید آوردیم باشد که راه یابند

مکارم: و در زمین کوه‌های ثابت و پابرجائی قرار دادیم تا آنها در آرامش باشند، و در آن دره‌ها و راههایی قرار دادیم تا هدایت شوند.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند
مکارم: و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم، ولی آنها از آیات آن رویگردانند.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند

مکارم: او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر يك از آنها در مداری در حرکتند.

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی [در دنیا] قرار ندادیم آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند
مکارم: ما برای هیچ انسانی قبل از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم (وانگهی آیا آنها که انتظار مرگ تو را می‌کشند) اگر تو بمیری آنها زندگی جاویدان دارند؟!

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: هر نفسی چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید

مکارم: هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد، و ما شما را با بدیها و نیکیها آزمایش می‌کنیم، و سرانجام به سوی ما باز می‌گردید.

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوءًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ

هُم كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: و کسانی که کافر شدند چون تو را ببینند فقط به مسخرهات می‌گیرند [و می‌گویند] آیا این همان کس است که خدایانتان را [به بدی] یاد می‌کند در حالی که آنان خود یاد [خدای] رحمان را منکرند

مکارم: هنگامی که کافران تو را می‌بینند کاری جز استهزا کردن ندارند (و می‌گویند) آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می‌گوید؟ در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمن را انکار می‌کنند.

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾

فولادوند: انسان از شتاب آفریده شده است به زودی آیاتم را به شما نشان می‌دهم پس [عذاب را] به شتاب از من نخواهید

مکارم: (آری) انسان از عجله آفریده شده، ولی عجله نکنید من آیات خود را به زودی به شما ارائه می‌دهم.

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

فولادوند: و می‌گویند اگر راست می‌گویید این وعده [قیامت] کی خواهد بود

مکارم: آنها می‌گویند اگر راست می‌گوئید این وعده قیامت کی فرا می‌رسد؟!

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: کاش آنان که کافر شده‌اند می‌دانستند آنگاه که آتش را نه از چهره‌های خود و نه از پشتشان باز نمی‌توانند داشت و خود مورد حمایت قرار نمی‌گیرند [چه حالی خواهند داشت]

مکارم: ولی اگر کافران می‌دانستند زمانی را که نمی‌توانند شعله‌های آتش را از صورت و از پشت‌های خود دور کنند و هیچکس آنها را یاری نمی‌کند (اینقدر در باره قیامت شتاب نمی‌کردند).

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَةٌ فَبَثَّهَتْهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: بلکه [آتش] به طور ناگهانی به آنان می‌رسد و ایشان را بهت‌زده می‌کند [به گونه‌ای] که نه می‌توانند آن را برگردانند و نه به آنان مهلت داده می‌شود

مکارم: آری این مجازات الهی بصورت ناگهانی به سراغشان می‌آید و مبهوتشان می‌کند آنچنانکه توانائی بر دفع آن ندارند و به آنها مهلت داده نمی‌شود.

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾

فولادوند: و مسلماً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد ریشخند قرار گرفتند پس کسانی که آنان را مسخره می‌کردند

[سزای] آنچه که آن را به ریشخند می‌گرفتند گریبانگیرشان شد

مکارم: (اگر تو را استهزا کنند نگران نباش) پیامبران پیش از تو را نیز استهزا کردند، اما سرانجام آنچه را (از عذابهای الهی) مسخره می‌کردند دامان استهزا کنندگان را گرفت

قُلْ مَنْ يَكْلَأُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: بگو چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می‌کند [نه] بلکه آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند

مکارم: بگو چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند رحمان نگاه می‌دارد؟ ولی آنها از یاد پروردگارشان روی گردانند.

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: [آیا برای آنان خدایانی غیر از ماست که از ایشان حمایت کنند [آن خدایان] نه می‌توانند خود را یاری کنند و نه از جانب ما یاری شوند

مکارم: آیا آنها خدایانی دارند که می‌توانند از آنان در برابر ما دفاع کنند؟ (این خدایان ساختگی حتی) نمی‌توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران) و نه از ناحیه ما بوسیله نیروئی یاری می‌شوند.

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: [نه] بلکه اینها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید آیا نمی‌بینند که ما می‌آییم و زمین را از جوانب آن فرو می‌کاهیم آیا باز هم آنان پیروزند

مکارم: ما آنها و پدرانشان را از نعمتها بهره مند ساختیم تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد) آیا نمی‌بینند که ما مرتبا از زمین (و اهل آن) می‌کاهیم آیا آنها غالبند (یا ما)؟!

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾

فولادوند: بگو من شما را فقط به وسیله وحی هشدار می‌دهم و [ولی] چون کران بیم داده شوند دعوت را نمی‌شنوند

مکارم: بگو من تنها بوسیله وحی شما را انداز می‌کنم ولی آنها که گوشه‌ایشان کر است هنگامی که انداز می‌شوند سخنان را نمی‌شنوند!

وَلَكِنَّ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: و اگر شمه‌ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد خواهند گفت ای وای بر ما که ستمکار بودیم

مکارم: اگر کمترین عذاب پروردگارت آنها را لمس کند فریادشان بلند می‌شود ای وای ما همگی ستمگر بودیم.

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم

مکارم: ما ترازوهای عدل را در روز قیامت نصب می‌کنیم، لذا به هیچکس کمترین ستمی نمی‌شود، و اگر به مقدار سنگینی یکدانه خردل (کار نیک و بدی باشد) ما آنرا حاضر می‌کنیم، و کافی است که ما حساب کننده باشیم.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: و در حقیقت به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است
مکارم: ما به موسی و هارون فرقان (وسیله جدا کردن حق از باطل) و نور و آنچه مایه یادآوری پرهیزکاران است دادیم.

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: [همان] کسانی که از پروردگارشان در نمان می‌ترسند و از قیامت هراسناکند
مکارم: همانها که از پروردگارشان در غیب و نمان می‌ترسند و از قیامت بیم دارند.

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾

فولادوند: و این [کتاب] که آن را نازل کرده‌ایم پندی خجسته است آیا باز هم آن را انکار می‌کنید
مکارم: و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم آیا آن را انکار میکنید؟!

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾

فولادوند: و در حقیقت پیش از آن به ابراهیم رشد [فکری] را دادیم و ما به [شایستگی] او دانا بودیم
مکارم: ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم، و از [شایستگی] او آگاه بودیم.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾

فولادوند: آنگاه که به پدر خود و قومش گفت این مجسمه‌هایی که شما ملازم آنها شده‌اید چیستند
مکارم: آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت این مجسمه‌های بیروچی را که شما همواره پرستش میکنید

چیست ؟

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾

فولادوند: گفتند پدران خود را پرستندگان آنها یافتیم

مکارم: گفتند: ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت میکنند!

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾

فولادوند: گفت قطعا شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بودید

مکارم: گفت: مسلما شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده‌اید.

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾

فولادوند: گفتند آیا حق را برای ما آورده‌ای یا تو از شوخی‌کنندگانی

مکارم: گفتند: تو مطلب حقی برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟!

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾

فولادوند: گفت [نه] بلکه پروردگارتان پروردگار آسمانها و زمین است همان کسی که آنها را پدید آورده است و من بر

این [واقعیت] از گواهانم

مکارم: گفت: (کاملا حق آورده‌ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده و من از

گواهان این موضوعم.

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

فولادوند: و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید قطعا در کار بناتنان تدبیری خواهم کرد

مکارم: و بخدا سوگند نقشهای برای نابودی بت‌هایتان در غیاب شما طرح می‌کنم.

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِذَا كَبِرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾

فولادوند: پس آنها را جز بزرگترشان را ریز ریز کرد باشد که ایشان به سراغ آن بروند

مکارم: سرانجام (با استفاده از يك فرصت مناسب) همه آنها - جز بت بزرگشان را - قطعه قطعه کرد، تا به سراغ او

بیایند (و او حقایق را بازگو کند).

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾

فولادوند: گفتند چه کسی با خدایان ما چنین [معامله‌ای] کرده که او واقعا از ستمکاران است

مکارم: گفتند: هر کس با خدایان ما چنین کرده قطعا از ستمگران است (و باید کیفر ببیند)!

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾

فولادوند: گفتند شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود
مکارم: (گروهی) گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بتها سخن میگفت که او را ابراهیم میگفتند.

قَالُوا فَاتُّوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾

فولادوند: گفتند پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید باشد که آنان شهادت دهند
مکارم: (عدهای) گفتند: او را در برابر چشم مردم بیاورید تا گواهی دهند.

قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَتْنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾

فولادوند: گفتند ای ابراهیم آیا تو با خدایان ما چنین کردی
مکارم: (هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند) گفتند تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهیم؟!

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾

فولادوند: گفت [نه] بلکه آن را این بزرگترشان کرده است اگر سخن می‌گویند از آنها بپرسید
مکارم: گفت: بلکه بزرگشان کرده باشد! از آنها سؤال کنید اگر سخن می‌گویند!!

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾

فولادوند: پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند در حقیقت شما ستمکارید
مکارم: آنها به وجدان خود بازگشتند و (به خود) گفتند: حقا که شما ستمگرید.

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾

فولادوند: سپس سرفکنده شدند [و گفتند] قطعاً دانسته‌ای که اینها سخن نمی‌گویند
مکارم: سپس بر سرهاشان واژگونه شدند (و حکم وجدان را به کلی فراموش کردند و گفتند:) تو میدانی که اینها سخن نمی‌گویند!

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾

فولادوند: گفت آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سود و زیانی به شما نمی‌رساند
مکارم: (ابراهیم) گفت: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی می‌رساند (که به سودشان چشم دوخته باشید یا از زیانشان بترسید).

أَف لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

فولادوند: اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید مگر نمی‌اندیشید

مکارم: اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا پرستش میکنید، آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟!

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾

فولادوند: گفتند اگر کاری می‌کنید او را بسوزانید و خدایانتان را یاری دهید

مکارم: گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است.

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

فولادوند: گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش

مکارم: (سرانجام او را به دریای آتش افکندند ولی ما) گفتیم: ای آتش سرد و سالم بر ابراهیم باش.

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾

فولادوند: و خواستند به او نیرنگی بزنند و [لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم

مکارم: آنها میخواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند، ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم.

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

فولادوند: و او و لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم رهانیدیم

مکارم: و او و لوط را به سرزمین (شام) که آنرا برای همه جهانیان پر برکت ساختیم نجات دادیم.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

فولادوند: و اسحاق و یعقوب را [به عنوان نعمتی] افزون به او بخشودیم و همه را از شایستگان قرار دادیم

مکارم: و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم، و همه آنها را مردانی صالح قرار دادیم.

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا

لَنَا عَابِدِينَ ﴿٧٣﴾

فولادوند: و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و

برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند

مکارم: و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت میکردند، و انجام کارهای نیک و برپا داشتن

نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم، و آنها فقط مرا عبادت میکردند.

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ

سَوْءٍ فَاسِقِينَ ﴿٧٤﴾

فولادوند: و به لوط حکمت و دانش عطا کردیم و او را از آن شهری که [مردمش] کارهای پلید [جنسی] می‌کردند نجات دادیم به راستی آنها گروه بد و منحرفی بودند

مکارم: و لوط را (به یادآور) که به او حکم و علم دادیم، و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام میدادند رهائی بخشیدیم، چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾

فولادوند: و او را در رحمت خویش داخل کردیم زیرا او از شایستگان بود.
مکارم: و او را در رحمت خود داخل کردیم، او از صالحان بود.

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

فولادوند: و نوح را [یاد کن] آنگاه که پیش از [سایر پیامبران] ندا کرد پس ما او را اجابت کردیم و وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم

مکارم: و نوح را (به یادآور) هنگامی که پیش از آنها (ابراهیم و لوط) پروردگار خود را خواند، ما دعای او را مستجاب کردیم، او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات دادیم.

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾

فولادوند: و او را در برابر مردمی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم چرا که آنان مردم بدی بودند پس همه ایشان را غرق کردیم

مکارم: و او را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری نمودیم، چرا که آنها قوم بدی بودند، لذا همه را غرق کردیم.

وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾

فولادوند: و داوود و سلیمان را [یاد کن] هنگامی که در باره آن کشتزار که گوسفندان مردم شب‌هنگام در آن چریده بودند داوری می‌کردند و [ما] شاهد داوری آنان بودیم

مکارم: و داود و سلیمان را (بخاطر آور)، هنگامی که در باره کشتزاری که گوسفندان قوم آنرا شبانه چریده (و خراب کرده) بودند داوری میکردند، و ما شاهد قضاوت آنها بودیم.

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾

فولادوند: پس آن [داوری] را به سلیمان فهمانیدیم و به هر يك [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم و کوهها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم و ما کننده [این کار] بودیم

مکارم: ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان تفهیم کردیم، و به هر يك از آنها (شایستگی) داوری، و علم دادیم، و کوهها و پرندگان را مسخر داود ساختیم که با او تسبیح (خدا) میگفتند، و ما قادر بر انجام این کار بودیم.

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾

فولادوند: و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید

مکارم: و ساختن زره را به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند آیا شکر (این نعمتهای خدا را) میگذارید؟!

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ

﴿٨١﴾

فولادوند: و برای سلیمان تندباد را [رام کردیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم جریان می یافت و ما به هر چیزی دانا بودیم

مکارم: و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم که به فرمان او به سوی سرزمینی که آنرا پربرکت کرده بودیم حرکت میکرد، و ما از همه چیز آگاه بودهایم.

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يُغْوِصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾

فولادوند: و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می کردند و ما مراقب [حال] آنها بودیم

مکارم: و گروهی از شیاطین را (نیز) مسخر او قرار دادیم که برایش (در دریاها) غواصی میکردند و کارهایی غیر از این برای او انجام میدادند و ما آنها را (از تمرد و سرکشی) حفظ میکردیم.

وَأَيُّوبَ إِذِ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾

فولادوند: و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان

مکارم: و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت) بدحالی و مشکلات به من روی آورده و تو ارحم الراحمینی.

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى

لِّلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾

فولادوند: پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان

[مجددا] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]

مکارم: ما دعای او را مستجاب کردیم، و ناراحتیهائی را که داشت برطرف ساختیم، و خاندانش را به او بازگردانیم، و همانندشان را بر آنها افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد، و تذکری برای عبادت‌کنندگان.

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿٨٥﴾

فولادوند: و اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند

مکارم: و اسماعیل و ادريس و ذال کفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾

فولادوند: و آنان را در رحمت خود داخل نمودیم چرا که ایشان از شایستگان بودند

مکارم: و ما آنها را در رحمت خود داخل کردیم چرا که آنها از صالحان بودند.

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾

فولادوند: و ذوالنون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در [دل] تاریکیها

ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم

مکارم: و ذال النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که

ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمتها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو

معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

فولادوند: پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم

مکارم: ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همینگونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾

فولادوند: و زکریا را [یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث‌برندگان

مکارم: و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد) پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند

برومندی به من عطا کن) و تو بهترین وارثانی.

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ وَوَجَّهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا

رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَأَنُوا لَنَا خَاشِعِينَ ﴿٩٠﴾

فولادوند: پس [دعای] او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند

مکارم: ما دعای او را مستجاب کردیم، و یحیی را به او بخشیدیم، و همسرش را برای او اصلاح کردیم، چرا که آنها در نیکیها سرعت می‌کردند، و بخاطر عشق (به رحمت) و ترس (از عذاب) ما را می‌خواندند، و برای ما خاشع بودند (خضوعی توأم با ادب و ترس از مسئولیت).

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾

فولادوند: و آن [زن را یاد کن] که خود را پاکدامن نگاه داشت و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم

مکارم: و به یاد آور زنی را که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی پاک نگه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم.

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾

فولادوند: این است امت‌شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید

مکارم: این (پیامبران بزرگی که به آنها اشاره کردیم و پیروان آنها) همه امت واحدی بودند (و پیروی یک هدف) و من پروردگار شما هستم، مرا پرستش کنید.

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾

فولادوند: و [ولی] دینشان را میان خود پاره پاره کردند همه به سوی ما بازمی‌گردند

مکارم: (گروهی از پیروان ناآگاه) کار خود را به تفرقه در میانشان کشاندند (ولی سرانجام) همگی به سوی ما باز می‌گردند.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾

فولادوند: پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن [هم] باشد برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود و ما مییم که به سود او ثبت می‌کنیم

مکارم: هر کس چیزی از اعمال صالح را بجا آورد در حالی که ایمان داشته باشد، کوششهای او ناسپاسی نخواهد شد، و ما تمام اعمال آنها را می‌نویسیم (تا دقیقاً همه پاداش داده شود).

وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾

فولادوند: و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده‌ایم بازگشتشان [به دنیا] حرام است

مکارم: حرام است بر شهرها و آبادیهائی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که باز گردند) آنها هرگز باز نخواهند

گشت!

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾

فولادوند: تا وقتی که یاجوج و ماجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته‌ای بتازند

مکارم: تا آن زمان که یاجوج و ماجوج گشوده شوند و آنها از هر ارتفاعی به سرعت عبور می‌کنند!

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا

بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾

فولادوند: و وعده حق نزدیک گردد ناگهان دیدگان کسانی که کفر ورزیده‌اند خیره می‌شود [و می‌گویند] ای وای بر ما

که از این [روز] در غفلت بودیم بلکه ما ستمگر بودیم

مکارم: و وعده حق (قیامت) نزدیک می‌شود، در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت باز می‌ماند (می‌

گویند) ای وای بر ما که از این در غفلت بودیم بلکه ما ستمگر بودیم.

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾

فولادوند: در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید هیزم دوزخید شما در آن وارد خواهید شد

مکارم: شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید هیزم جهنم خواهید بود و همگی در آن واردم

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾

فولادوند: اگر اینها خدایانی [واقع] بودند در آن وارد نمی‌شدند و حال آنکه جملگی در آن ماندگارند

مکارم: اگر اینها خدایان بودند هرگز وارد آن نمی‌شدند، و همه در آن جاودانه خواهند بود.

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾

فولادوند: برای آنها در آنجا ناله‌ای زار است و در آنجا [چیزی] نمی‌شنوند

مکارم: آنها در آن ناله‌های دردناک دارند، و چیزی نمی‌شنوند!

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

فولادوند: بی‌گمان کسانی که قبلا از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن [آتش] دور داشته خواهند

شد

مکارم: (اما) کسانی که وعده نیک از قبل به آنها داده‌ایم (یعنی مؤمنان صالح) از آن دور نگاهداشته می‌شوند.

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾

فولادوند: صدای آن را نمی‌شنوند و آنان در میان آنچه دل‌هایشان بخواهد جاودانند

مکارم: آنها صدای آتش دوزخ را نمی‌شنوند و در آنچه دلشان بخواهد جاودانه متنعم هستند.

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾

فولادوند: دل‌پره بزرگ آنان را غمگین نمی‌کند و فرشتگان از آنها استقبال می‌کنند [و به آنان می‌گویند] این همان

روزی است که به شما وعده می‌دادند

مکارم: وحشت بزرگ آنها را اندوهگین نمی‌کند، و فرشتگان به استقبالشان می‌روند (و می‌گویند) این همان روزی

است که به شما وعده داده میشد.

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ تُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا
فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾

فولادوند: روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز

کردیم دوباره آن را بازمی‌گردانیم وعده‌ای است بر عهده ما که ما انجام‌دهنده آنیم

مکارم: در آن روز که آسمان را همچون طومار درهم می‌پیچیم، (سپس) همانگونه که آفرینش را آغاز کردیم آنرا بازمی

گردانیم، این وعده‌ای است که ما داده‌ایم و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

فولادوند: و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد

مکارم: ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾

فولادوند: به راستی در این [امور] برای مردم عبادت‌پیشه ابلاغی [حقیقی] است

مکارم: در این ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾

فولادوند: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم

مکارم: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾

فولادوند: بگو جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس آیا مسلمان می‌شوید
مکارم: بگو تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای یگانه است، آیا (با اینحال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و بتها را کنار می‌گذارید؟).

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ أَمْ بَعِيدُ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾

فولادوند: پس اگر روی برتافتند بگو به [همه] شما به طور یکسان اعلام کردم و نمی‌دانم آنچه وعده داده شده‌اید آیا نزدیک است یا دور

مکارم: اگر (با این همه) رویگردان شوند بگو من به همه شما یکسان (از عذاب الهی) اعلام خطر می‌کنم، و نمی‌دانم آیا وعده (عذاب خدا) به شما نزدیک است یا دور؟!

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾

فولادوند: [آری] او سخن آشکار را می‌داند و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند
مکارم: او سخنان آشکار را می‌داند و آنچه را کتمان می‌کنید (نیز) می‌داند (و چیزی بر او مخفی نیست).

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾

فولادوند: و نمی‌دانم شاید آن برای شما آزمایشی و تا چند گاهی [وسیله] برخورداری باشد
مکارم: و من نمی‌دانم شاید این ماجرا آزمایشی برای شماست، و بهره‌گیری تا مدتی (معین)

قَالَ رَبُّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

فولادوند: گفت پروردگارا [خودت] به حق داوری کن و به رغم آنچه وصف می‌کنید پروردگار ما همان بخشایشگر دستگیر است

مکارم: (و پیامبر) گفت: پروردگارا! به حق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده) و از پروردگار رحمان در برابر نسبت‌های ناروای شما استمداد می‌طلبم.